

مدیریت سرمایه و درآمد: شواهدی از مدل های کسب و کار بانکداری جایگزین

چکیده

این مقاله به بررسی این مورد می پردازد که آیا مشخصه های نهادی متمایز کننده ی بانک های اسلامی از انواع متعارف آن، از طریق ذخایر زیان وام به رفتار مدیریت سرمایه و درآمد متمایزی منجر می شود. در کشورهای نمونه ما، دو بخش بانکی تحت چارچوب های نظارتی مختلف عمل می کنند: بانک های متعارف در حال حاضر تا سال ۲۰۱۸ از مدل زیان وام "متحمل شده" استفاده می کنند در حالی که بانک های اسلامی الزاماً یک مدل زیان وام "مورد انتظار" را اتخاذ می نمایند. نتایج ما، شواهد قابل توجهی را از شیوه های مدیریت سرمایه و درآمد از طریق ذخایر زیان وام در بانک های متعارف فراهم می نماید. این یافته بیشتر برای بانک های بزرگ و زیان ده چشمگیر است. در مقابل بانک های اسلامی صرف نظر از اندازه بانک، وضعیت درآمدها، یا ساختار مدل زیان وام، تمایلی به استفاده از ذخایر زیان وام ندارند. این تفاوت می تواند به مدل کسب و کار محدود بانکداری اسلامی، نظارت دقیق، و جهت گیری اخلاقی نسبت داده شود.

واژگان کلیدی: استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS)؛ مدیریت سرمایه نظارتی؛ مدیریت درآمدها؛ زیان های وام مورد انتظار، زیان های وام متحمل شده

۱. مقدمه

یک جریان تثبیت یافته از متون پژوهشی، استفاده از ذخایر زیان وام (LLP) توسط مدیران بانک در مدیریت سرمایه و درآمد را مشخص نموده است. انگیزه آنها عبارت است از: اجتناب از هزینه های کفایت سرمایه نظارتی، که در نزول پایینتر از نیازهای حداقل کفایت سرمایه متحمل می شوند؛ افزایش جبران خدمات مبتنی بر درآمدها؛ و جلوگیری از نقض تعهد پرداخت بدهی (به عنوان مثال نگاه کنید به، احمد، تاکیدا، و توماس، ۱۹۹۹؛ آناندراجان، حسن، و مککارتی، ۲۰۰۷؛ لونتیس، دیمیتروپولوس، و آناندراجان، ۲۰۱۱؛ مویر، ۱۹۹۰؛ واهلین، ۱۹۹۴). استفاده اختیاری از رویه های مدیریت سرمایه و درآمدها یک نقطه تمرکز آشکار برای وضع کنندگان استاندارد است، اما

مطالعات استفاده تطبیقی از LLP جهت مدیریت سرمایه و درآمدها در بانک های اسلامی و متعارف کمتر مورد تاکید قرار گرفته است.

مدیریت سرمایه و درآمدها را می توان از طریق اعمال اختیار در میزان یا زمان بندی تشخیص زیان های وام قطعی و در سطوح گزارش شده برای LLP بدست آورد (احمد و همکاران، ۱۹۹۹). در مواقعی که بانکها احتمال دارد در شیوه های مدیریت سرمایه و درآمدها از طریق LLP عمدا شرکت داشته باشند، این امر ممکن است به کیفیت گزارش دهی مالی لطمه وارد نموده و هزینه های نمایندگی بیش از حدی را به بار بیاورد (نگاه کنید، آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷؛ بیور و انگل، ۱۹۹۶؛ جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶).

انگیزه اصلی این مطالعه مقایسه شیوه های مدیریت سرمایه و درآمدهای بانکهای متعارف و اسلامی است که در کشورهای یکسانی واقع گشته اند اما تحت الزامات نظارتی متفاوتی عمل می کنند. تحقیقات ما به ناظران و سرمایه گذاران آگاهی می رساند در همان حین که به نیازهای پژوهشی برای وضع نمودن رابطه نوع بانک بر تصمیمات LLP و رفتار فرصت طلبانه ممکن مدیران بانکها پاسخ می دهد (عبدالسلام، دیمیتروپولوس، النحاس، لونتیس، ۲۰۱۶؛ بلال، عبدالسلام و نظامی، ۲۰۱۵؛ بوشمان و ویلیامز، ۲۰۱۲؛ النحس و عزالدین و عبدالسلام، ۲۰۱۴؛ فونسکا و گونزالس، ۲۰۰۸).

مدل کسب و کار تقسیم سود و زیان بانکهای اسلامی، مستلزم ترتیبات قراردادی بین یک بانک و دارندگان حساب سرمایه گذاری (IAH) آن، یعنی سپرده گذاران است. این امر تمایل به محدود کردن توانایی بانک های اسلامی برای مدیریت سرمایه و درآمد از طریق LLP را دارد. علاوه بر این، هزینه های نمایندگی در بانکهای اسلامی نسبتا بیشتر است، زیرا IAHها به طور مستقیم در تصمیمات مالی و تجاری دخیل نیستند (به عنوان مثال، آنها هیچ نمایندگی در هیات مدیره ندارند) و بنابراین باید بر سرمایه گذاریشان از طریق اطلاعات مالی منتشر شده نظارت داشته باشند. این امر امکان فرصت طلبی مدیریتی را افزایش می دهد (عبدالکریم و آرچر، ۲۰۰۲؛ صفی الدین، ۲۰۰۹). انگیزه IAHها در تلاش برای محافظت از سرمایه گذاری شان، این است که سعی نمایند قانون گذاران را به نظارت وادار نمایند و سازوکارهای حاکمیتی را در بانکهای اسلامی توسعه دهند تا کیفیت گزارش دهی مالی را بالا ببرند.

بر خلاف لایه حاکمیتی منفرد در بانکهای متعارف (یعنی، هیئت مدیره و کمیته حسابرسی)، بانکهای اسلامی در معرض یک سازوکار حاکمیتی افزونتری از هیات های نظارت شرعی قرار دارند (نگاه کنید به، بلال و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، خصوصیات بانکداری اسلامی بر رفتار اخلاقی و مسئولیت پذیری معنوی تاکید دارد، که انتظار می رود محدودیت هایی بر فرصت طلبی مدیریتی از طریق استفاده از LLP وضع نماید. با توجه به مشخصه های بانکی نهادی منحصر به فرد و مدل کسب و کار محدود بانکهای اسلامی، فرض ما این است که مدیریت سرمایه و درآمدها با استفاده از LLP در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف کمتر محتمل است. این فرضیه توسط متون بانکداری متعارف پشتیبانی می شود که نشان می دهد یک محیط سازمانی قوی می تواند استفاده از اختیار حسابداری و مدیریت درآمدهای متعرضانه را مهار کند (دایرنگ، مایو و ویلیامز، ۲۰۱۲؛ کاناکارتنام، لوبو و وانگ، ۲۰۱۵؛ مگگویر، عمر و شارپ، ۲۰۱۲).

با توجه به نگرانی های فزاینده بر سر استفاده اختیاری از LLP، ملاحظات اضافی برای ساختار مدل زیان وام در نظر گرفته می شود. بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۷، دریافته شد که مدل زیان وام "متحمل شده" (I-LLM)، که توسط استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۳۹ (IAS 39) با عنوان «بازار مالی: شناخت و اندازه گیری» تعریف شده است، تغییر و تحولات را با اعطای تسهیلات مالی موافق ادواری مرتبط با سطوح پایین LLP تشدید نموده است (نگاه کنید به، فیلات و مونتوریول گاریگا، ۲۰۱۰؛ وزل، چان لائو و فرانسس، ۲۰۱۲). در پاسخ، هیأت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) یک تغییر از مدل زیان وام "متحمل شده" به مدل "مورد انتظار" (E-LLM) را تحت استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی شماره ۹ (IFRS 9) با عنوان «بازار مالی پیشنهاد نمود.

برای بانکهای متعارف، اجرای E-LLM تا سال ۲۰۱۸ به تعویق افتاد. با این حال، برای بانکهای اسلامی، LLP با الزامات E-LLM حداقل از سال ۲۰۱۰ همخوانی دارد (نگاه کنید به، تکتاک، زوواری و بودریگا، ۲۰۱۰؛ زوبی و الخزعلی، ۲۰۰۷). برای بانکهای اسلامی در بحرین، اردن و قطر، E-LLM در حال حاضر اجباری است (نگاه کنید به، هیئت حسابرسی و بازرگری موسسات مالی اسلامی (AAOIFI)، ۲۰۱۵؛ انجمن حسابداران گواهی شده مجاز (ACCA) و کی پی ام جی (KPMG)، ۲۰۱۰؛ ساره و حنیفه، ۲۰۱۳). این امر یک محیط جالب را برای بررسی بیشتر مدیریت سرمایه و درآمدها از طریق استفاده از LLP عرضه می نماید چرا که توسط بانکهای اسلامی و

متعارفی گزارش شده که در کشورهای یکسانی قرار دارند اما در حال حاضر چارچوبهای نظارتی متفاوتی را اعمال می کنند (یعنی E-LLM در برابر I-LLM).

برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۳ ما از داده های پانلی برای کشورهای بحرین، قطر و اردن استفاده می کنیم که ۴۴۱ مشاهدات سال بانکی (۶۳ بانک) را شامل می شود. این سه کشور دارای یک فرهنگ همگن، ویژگی های اقتصاد کلان مشابه و یک سیستم دوگانه بانکی هستند که در آن تمرکز نسبتا بالایی از بانک های اسلامی وجود دارد (ارنست و یانگ، ۲۰۱۵b). یافته های ما نشان می دهد که در طول کل دوره نمونه، بانکها تمایل به استفاده از LLP دارند تا نسبت سرمایه درجه یک را مدیریت نموده و درآمدها را هموار نمایند. با این حال، دو نوع بانک به طور قابل توجهی رفتار مدیریت سرمایه و درآمدهای متفاوتی را نشان می دهند. ما هیچ شواهدی نداریم که بانک های اسلامی سرمایه یا درآمدها را از طریق LLP مدیریت کنند. این امر بدون در نظر گرفتن اندازه بانک و موقعیت سودآوری است. برای بانکهای متعارف، ما شواهد قابل توجهی را از شیوه های مدیریت سرمایه و درآمدها از طریق LLP می یابیم. این گرایش، هنگام گزارش زیان های مالی در مقایسه با سودها آشکارتر است. ما همچنین توجه داریم که مدیریت سرمایه نظارتی از طریق LLP برای بانکهای متعارف بزرگ رایج تر است در حالی که استفاده از LLP برای مدیریت درآمدها صرف نظر از اندازه بانک امری مشهود است. در نهایت، آن جایی که مدل E-LLM برای بانکهای اسلامی، موافق ادواری بودن اعطای تسهیلات مالی را کاهش می دهد، برای بانکهای متعارف، مدل I-LLM، موافق ادواری بودن در اعطای تسهیلات مالی را مورد تاکید قرار می دهد.

این مقاله به چند طریق در متونی که بانک های اسلامی و متعارف را مقایسه می نمایند سهیم می باشد. این اولین تلاش برای بررسی این مورد است که چگونه استانداردهای گزارشگری مالی متمایز و مدل های زیان وام می تواند منجر به رفتار مدیریت درآمدها و سرمایه متفاوتی شود. ما تلاشهای قبلی را در مورد پیامدهای اقدامات اختیاری بر کیفیت گزارشگری مالی توسط بانکداری اسلامی و متعارف بسط می دهیم (عبد السلام و همکاران، ۲۰۱۶؛ النحس و همکاران، ۲۰۱۴؛ صفی الدین، ۲۰۰۹). دوم، یافته های ما تاثیر اتخاذ یک مدل کسب و کار بانکی محدود را برجسته می کند که با تسهیم ریسک و ساز و کارهای حاکمیتی اضافی، در استفاده فرصت طلبانه از LLP مشخص می شود (نگاه کنید به، سیزلوییز، ۲۰۱۴؛ دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ لونتیس و دیمیتروپولوس، ۲۰۱۲؛ مکگویر و همکاران، ۲۰۱۲). در این رابطه، ما بیشتر به درک ارتباط ویژگیهای نهادی بانک در مدیریت درآمدها و

شیوه های گزارش دهی مالی کمک می رسانیم. در نهایت، با مطالعه یک نمونه فرعی از بانکهای اسلامی که جلوتر از بانکهای متعارف در بکارگیری E-LLM قرار دارند، این تحقیق یافته های بوشمن و ویلیامز (۲۰۱۲) در مستند سازی ابهام این مدل آینده نگر و کاربرد احتمالی آن در اختیار حسابداری را گسترش می دهد.

بررسی استفاده از LLP در مدیریت سرمایه و درآمد بین دو بخش بانکی موضوعاتی را مطرح می کند که مربوط به سرمایه گذاران، حسابرسان، و قانون گذارانی هستند که به دنبال افزایش کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده هستند. ارزیابی های تجربی ما از کاربرد مدل پیشنهادی در بانکهای اسلامی می تواند به IASB در حل مباحث پیرامون فردیت E-LLM کمک کند. یافته های این تحقیق این آگاهی را می رساند که مطالعات بانکداری آتی به بررسی مدیریت سرمایه و درآمدها می پردازد تا به صراحت در مورد هر دو سیستم بانکداری جایگزین و نیز ماهیت مدل های زیان وام کاربردی تفکر نماید.

بخش بعدی یک زمینه کلی را ارائه می دهد. بخش ۳، مبنای منطقی بودن فرضیه های ما در مدیریت سرمایه و درآمد را توضیح می دهد. بخش ۴ داده ها را خلاصه می نماید. بخش ۵ روش شناسی را مورد بحث قرار می دهد. بخش ۶ نتایج توصیفی و تجربی را ارائه می دهد. بخش ۷ خلاصه سازی کرده و نتیجه گیری می نماید.

۲. پیشینه تحقیق

۲.۱. مدل کسب و کار بانکداری اسلامی

ویژگی اصلی بانکداری اسلامی، الگوی تقسیم سود و زیان آن است. این ترتیب شراکت دلالت بر آن دارد که ساختارهای قراردادی با معاملات اقتصادی واقعی مرتبط با دارایی های مشهود پشتیبانی می شوند. با اینکه سایر محصولات مالی مشابه قراردادهای اجاره مورد استفاده در بانکداری متعارف هستند، دومی شامل عناصر تسهیم ریسک است (بک، دمیرگوچ-کونت و مروچ، ۲۰۱۳؛ اولسون و زوبی، ۲۰۰۸).

در تجارت با اصل تقسیم سود و زیان، بانکهای اسلامی عموماً به لحاظ مالی پایدارتر از بانک های متعارف نگریده می شوند (نگاه کنید به، عابدیفر، مولینکس و ترازو، ۲۰۱۳؛ بک و همکاران، ۲۰۱۳). مدل تسهیم ریسک شامل استفاده محدود از ابزارهای مصونیت در برابر ریسک است (نگاه کنید به، علی، ۲۰۱۱). علاوه بر این، تامین مالی سازگار با شریعت، استقراض از بازارهای پولی بین المللی را محدود می کند. با در نظر گرفتن این ملاحظات، انتظار

می رود که بانکهای اسلامی یک استراتژی مدیریت ریسک اعتبار داشته باشند که دارای ذخایر زیان وام بالاتر، نسبت های سرمایه نظارتی بالاتر، و کاربرد دارایی کمتر نسبت به بانکهای متعارف باشد.

با وجود آنکه مدل تقسیم سود و زیان به عنوان یک مدل بانکی محدود نگریسته می شود، امکان اختیار بیشتر در مدیریت حساب های سرمایه گذاری و گزارش مالی را می دهد (نگاه کنید به، میلز و پرسلی، ۱۹۹۹)، که در آن، در غیاب نظارت مستقیم، بررسی دقیقتر گزارش مالی از IAH ها انتظار می رود. این نظارت افزایش یافته نشان می دهد که انتخاب مخالف و خطر اخلاقی کمتر محتمل است (نگاه کنید به، بک و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این، در امر هدایت یافتن با گرایش تجاری مذهبی، انتظار می رود که هزینه های نمایندگی مرتبط با تجارت در بانکهای اسلامی و رفتار فرصت طلبانه از سوی مدیران پایینتر باشند. در واقع شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه بانکهای دارای تعهد اخلاقی قوی، کیفیت بالای گزارش مالی و دخالت کمتر در مدیریت درآمدها را نشان می دهند (نگاه کنید به چوی و پای، ۲۰۱۱؛ هیلاری و هوی، ۲۰۰۹؛ کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۵). علاوه بر این، "لایه دوگانه" حاکمیتی که توسط هیات نظارت شریعت به دست آمده است یک ساز و کار نظارتی اضافی را پیشنهاد می دهد (نگاه کنید به، عبد السلام و همکاران، ۲۰۱۶؛ صفی الدین، ۲۰۰۹). به طور خلاصه، هر چه محیط سازمانی شرکت قوی تر باشد، اقدامات فرصت طلبانه و / یا متقلبانه کمتر رایج هستند (نگاه کنید به دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ مکگویر و همکاران، ۲۰۱۲).

۲.۲. چارچوب نظارتی

بانکهای اسلامی در اغلب کشورها از روش زیان های وام IFRS پیروی می کنند. با این حال، علیرغم تلاشهای متعدد برای متحد کردن اقدامات گزارشگری مالی جهانی بین بانکهای اسلامی و متعارف، بسیاری از تفاوتهای قانونی در نوع مدل زیان وام که توسط دو سیستم بانکی اتخاذ می شود، باقی هستند.

به تبعیت از استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۳۹ (IAS 39) و همانطور که در حال حاضر توسط بانکهای متعارف اتخاذ شده است، I-LLM در معرض تعدادی از بازنگری ها قرار داشته است (نگاه کنید به، ارنست و یانگ، ۲۰۱۵b). با این مدل، LLP به یک رویداد زیان ناشی از کاهش ارزش نیازمند است که قبل از تاریخ گزارش مالی رخ دهد. با استناد به این عمل به عنوان دلیل اصلی بحران مالی ۲۰۰۷، منتقدان به طور موفقیت آمیزی، یک مدل زیان وام آینده نگر را مورد بحث قرار داده اند (نگاه کنید به، فیلات و مونتوریول گاریگا، ۲۰۱۰؛ وزل و همکاران،

۲۰۱۲). با مراجعه به E-LLM، بانکها باید سبد های وام خود را براساس پیش بینی جریان های نقدی برای سال بعدی ارزیابی کنند (نگاه کنید به، فدراسیون حسابداران اروپا، ۲۰۱۰؛ وزل و همکاران، ۲۰۱۲). هدف از این ایده ایجاد ذخایر زیان وام در طول یک دوره رشد اقتصادی به منظور جذب زیان ها در یک رکود اقتصادی است. با این حال، E-LLM بدین دلایل مورد انتقاد قرار می گیرد: (۱) اتکا به قضاوت مدیریت برای برآورد جریان های نقدی آتی (نگاه کنید به، ارنست و یانگ، ۲۰۱۴؛ وزل و همکاران، ۲۰۱۲)؛ (۲) کمتر شفاف بودن، به طوری که اجازه پنهان سازی یک سبد وام وخامت وار را می دهد (فدراسیون حسابداران اروپا، ۲۰۱۰)؛ و (۳) استفاده از اختیار در هموار سازی درآمدها، که ممکن است از شفافیت بیشتر بکاهد و ریسک پذیری را افزایش دهد (نگاه کنید به بوشمن و ویلیامز، ۲۰۱۲).

بانکهای اسلامی تحت نظارت هیئت حسابرسی و بازرنگری موسسات مالی اسلامی (AAOIFI) در بحرین، اردن و قطر الزاما E-LLM را اعمال می نمایند (AAOIF، ۲۰۱۵؛ تکتاک و همکاران، ۲۰۱۰؛ زوبی و الخزعلی، ۲۰۰۷). جایی که بانکهای متعارف در همان کشورها از I-LLM تحت نظر IFRS پیروی می کنند، این مورد یک محیط نظارتی منحصر به فرد را برای مطالعه ما ارائه می دهد.

۳. توسعه فرضیات

مطالعات قبلی که مدیریت سرمایه (و درآمد) را از طریق LLP مورد آزمایش قرار می دهد یا نمی توانند اثر نوع بانک را مورد آزمون قرار دهند یا بین ساختارهای مدل زیان وام تمایز قایل نمی شوند (نگاه کنید به، احمد و همکاران، ۱۹۹۹؛ آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷؛ بیٹی، چمبرلین و مگلیولو، ۱۹۹۵؛ کاناکارتنام و همکاران، ۲۰۱۵؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). این جنبه ها در شناسایی انگیزه ها و فرصت های اساسی برای مدیریت سرمایه (و درآمدها) تفاضلی از طریق LLP در بین دو بخش بانکی مهم هستند.

۳.۱. فرضیات مدیریت سرمایه

انگیزه های مدیریت سرمایه از طریق LLP را می توان به انگیزه برای بهبود یا حفظ کفایت سرمایه به منظور اجتناب از هزینه های سرمایه رسمی نسبت داد در صورتی که نسبت سرمایه نظارتی بانک پایینتر از حداقل الزامات قانونی باشد. مطالعات قبلی در بانکداری متعارف، که چگونگی استفاده بانک ها از LLP برای مدیریت سرمایه نظارتی را بررسی می کنند، شواهد متناقضی را ارائه می دهند. مویر (۱۹۹۰) و اسکولز، ویلسون و وولفسون (۱۹۹۰)

درمی یابند زمانی که سطوح سرمایه به نقض حداقل الزامات سرمایه نزدیک می شوند، بانک ها در استفاده از LLP اعمال اختیار می نمایند. با این حال، کالینز، شاکلفورد و واهلن (۱۹۹۵) هیچ مدرکی مبنی بر رفتار مدیریت سرمایه از طریق LLP پیدا نمی کنند. بیٹی و همکاران (۱۹۹۵) نشان می دهند که به هزینه بردن های وام و LLP هر دو در مدیریت سرمایه مورد استفاده قرار می گیرند. کیم و کراس (۱۹۹۸) و احمد و همکاران (۱۹۹۹) با استفاده از داده های ایالات متحده نشان می دهند که مدیریت سرمایه نظارتی یک عامل تعیین کننده مهم LLP است. لوبو و یانگ (۲۰۰۱) دریافتند که مدیران نیز به صلاحدید خود عمل می کنند تا LLP را به صورت نزولی دستکاری نمایند تا الزامات سرمایه نظارتی را برآورده کنند. آناندراجان و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعات بانکها در سایر کشورهای صنعتی شواهدی می یابند که مدیریت سرمایه از طریق LLP در بانکهای استرالیا وجود دارد. پرز، سالاس فوماس و سارینا (۲۰۰۸) هیچ شواهدی در مورد بانکهای اسپانیا پیدا نکردند. در مورد بانکداری اسلامی، متون قبلی که به طور خاص فرضیه مدیریت سرمایه را مورد آزمایش قرار می دهند ناچیز هستند.

با در نظر داشتن هر دو نوع بانک که با جرایم عدم کفایت سرمایه روبرو هستند، یک انگیزه عمومی برای مشارکت در مدیریت از طریق LLP وجود دارد، که ارتباط مثبتی را بین LLP و نسبت کفایت سرمایه نشان می دهد (نگاه کنید به، احمد و همکاران، ۱۹۹۹؛ آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). با این حال، با در نظر گرفتن عملیات از طریق یک مدل کسب و کار محدود، در حضور یک ساز و کار حاکمیتی دیگر، و با یک گرایش تجاری اخلاقی، ما پیش بینی می کنیم که استفاده از LLP توسط بانکهای اسلامی برای مدیریت سرمایه نظارتی کمتر غالب بوده و/ یا در مقایسه با بانکهای متعارف دشوارتر است. در نتیجه فرضیه اول ما به صورت زیر بیان می شود:

فرضیه ۱. ارتباط مثبت بین استفاده از LLP و نسبت کفایت سرمایه در بانکهای اسلامی نسبت به بانکهای متعارف کمتر معنی دار است.

۳.۲. فرضیات مدیریت درآمدها

یکی از مفاهیم نظریه نمایندگی این است که مدیران بانک می توانند عملکرد شرکت را ارتقا داده و با استفاده از LLP در هموار سازی درآمد به پاداش مدیریتی دست یابند. یک انگیزه قوی دیگر در استفاده از LLP برای مدیریت درآمدها این است که درآمدهای کمتر متغیر، پیش بینی کننده های اصلی قیمت سهام پایدار هستند

(آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷). مطابق با نظرات گرین والت و سینکی (۱۹۸۸) و بیور (۱۹۸۹)، مدیران بانکها می توانند یک LLP اضافی را در ذخایر زیان وام در دوره های انبساطی سهام کنند و درآمدهای دوران رکود را هموار نمایند تا نوسانات درآمدهای گزارش شده را کاهش دهند. رفتار مشابهی در مطالعات بانکداری متعارف جهانی یافت می شود (احمد و همکاران، ۱۹۹۹؛ کالینز و همکاران، ۱۹۹۵؛ فونسکا و گونزالس، ۲۰۰۸؛ کانگارتنام، لوبو و متیو، ۲۰۰۳؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱؛ پرز و همکاران، ۲۰۰۸؛ واهلین، ۱۹۹۴).

متون بانکداری اسلامی شواهد آمیخته ای ارائه می کنند. اسماعیل و بی لی (۲۰۰۲) دریافتند که بانکهای اسلامی مالزی از LLP استفاده نمودند تا درآمدها را برای دوره ۱۹۹۷ - ۱۹۹۹ مدیریت نمایند. در منطقه GCC، زوبی و الخزعلی (۲۰۰۷) نشان می دهند که هر دو نوع بانک از LLP برای هموار سازی درآمدها در دوره ۲۰۰۰ - ۲۰۰۳ استفاده می برند. تکتاک و همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از شواهد بین کشوری نشان نمی دهند که بانکهای اسلامی از LLP استفاده می کنند تا درآمدها را برای دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ مدیریت نمایند. برای نمونه ای از بانکها در خاورمیانه و شمال آفریقا، عبدالسلام و همکاران (۲۰۱۶) هیچ مدرکی دال بر مدیریت درآمدها توسط بانکهای اسلامی برای بازه زمانی ۲۰۰۸ - ۲۰۱۳ پیدا نکرده اند.

در شرایط عادی، اگر مدیریت درآمدها یک عامل تعیین کننده مهم LLP باشد، یک ارتباط مثبت معنادار بین LLP و درآمدها (قبل از مالیات و LLP) مورد انتظار است. با این وجود و موافق با فرضیه ۱، ما نشان می دهیم که بانکهای اسلامی فرصت های کمتری برای هموار سازی درآمدها از طریق LLP دارند، اگرچه آنها در معرض E-LLM دارای شفافیت کمتر قرار دارند. بنابراین فرضیه دوم ما به صورت زیر بیان می شود:

فرضیه ۲. بین استفاده از LLP و درآمدها (قبل از مالیات و LLP) در بانکهای اسلامی نسبت به بانکهای متعارف ارتباط مثبت کمتر معنی داری وجود دارد.

۴. داده ها

ما از مجموعه داده های پانلی نامتعادل برای بانک های فهرست شده و فهرست نشده فعال در بحرین، اردن و قطر برای بازه زمانی ۲۰۰۷ - ۲۰۱۳ استفاده می کنیم. داده های مالی تلفیقی (در دلار آمریکا) از پایگاه های داده *Bankscope*، *Thomson One Reuters* و *Zawya* جمع آوری شده است. اگرچه تمرکز بانک های اسلامی در نمونه ما نسبتا بالا است، بانکهای متعارف در اندازه دارایی بزرگتر هستند. کشورهای نمونه یک محیط فرهنگی

و اقتصاد کلان همگن را به طور برجسته نشان می دهند (نگاه کنید به، ارنست و یانگ، ۲۰۱۵). بانکهایی که در جای دیگر قرار دارند مجاز هستند تا از شیوه های مختلف گزارش دهی مالی برای LLP تبعیت کنند (یعنی، یا IFRS یا AAOIFI). از این رو، آنها نمی توانند معیار آزمون ما برای کاربرد اجباری E-LLM را برآورده کنند. ارتباط دوره نمونه این است که استاندارد کفایت سرمایه که الزامات بازل ۲ را پوشش می دهد برای اجرای اجباری توسط بانکهای اسلامی در سال ۲۰۰۷ موثر واقع شد (نگاه کنید به، آریس و ساریدین، ۲۰۰۷؛ IFSB، ۲۰۰۵). این دوره همچنین امکان بررسی این مساله را فراهم می آورد که آیا بانکداران از استانداردهای حسابداری و الزامات سرمایه نظارتی در طول دوره مشکلات مالی منحرف شده اند یا خیر (نگاه کنید به، هافمن، پست و پنینگز، ۲۰۱۳). پیرو نظرات بک و همکاران (۲۰۱۳)، معیارهای انتخاب نمونه ما نیازمند حداقل دو مشاهدات سال بانکی برای هر بانک در یک کشور است. پنجره های اسلامی از نمونه ما در زمینه هایی که مسایل نظارتی و الزامات کفایت سرمایه برای آن پنجره ها متفاوت است، مستثنی شده اند (IFSB، ۲۰۰۵). بنابراین نمونه نهایی ما شامل ۴۴۱ مشاهدات سال بانکی (۶۳ بانک) از جمله ۲۳۸ مشاهدات سال بانکی از بانک های متعارف (۳۴ بانک) و ۲۰۳ مشاهدات سال بانکی از بانک های اسلامی (۲۹ بانک) است. جدول ۱ توزیع بانکها را نشان می دهد؛ بالاترین تراکم بانک های اسلامی در بحرین است در حالی که بانک های متعارف بالاترین حضور را در اردن دارند.

جدول ۱

توزیع نمونه بر اساس کشور و نوع بانک.

کشور	بانکهای اسلامی	بانکهای متعارف	نمونه کامل	ترکیب بانکهای اسلامی	ترکیب بانکهای متعارف
بحرین	154	91	245	67%	38%
اردن	21	105	126	9%	44%
قطر	28	42	70	12%	18%
مشاهدات	230	238	441	52%	54%
بانک ها	29	34	63	-	-

نکات: جدول تعداد بانک های اسلامی و بانک های متعارف موجود در Bankscope، Thomson One Reuteurs و Zawya را برای هر یک از سه کشور در طول دوره پوشش نمونه ای از 2007 تا 2013 نشان می دهد. ترکیب (درصد) تعداد بانک های گنجانده شده در نمونه به عنوان درصد از کل تعداد مشاهدات سال بانک ها است.

۵. روش شناسی

ما مدیریت سرمایه (و درآمدها) برای بانک اسلامی و متعارف را با استفاده از مشخصه رگرسیون مشخص شده در گرین والت و سینکی (۱۹۸۸) و احمد و همکاران (۱۹۹۹) مورد آزمایش قرار دادیم. ما در کاربردمان تاثیر ویژگیهای بانکی و چارچوب های نظارتی زیان وام در مدیریت سرمایه (فرضیه ۱) و درآمدها (فرضیه ۲) را مورد بررسی قرار می دهیم. با مدل پایه مشخص شده در معادله (۱)، ما از تخمین های اثرات ثابت برای نمونه کامل و برای نمونه های فرعی بانک اسلامی و متعارف استفاده می کنیم:

$$LLP_{i,t} = \beta_0 + B_1 TIER\ 1_{i,t-1} + B_2 EBTLPL_{i,t} + \beta_3 \Delta NPL_{i,t} + \beta_4 \Delta LOANS_{i,t} + \beta_5 LISTING_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 CRISIS_t + \beta_8 GDP_{i,t} + \beta_9 IB_i + \beta_{10} \sum_{t=2007}^{2013} T_i + \beta_{11} v_i + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن

LLP نسبت ذخایر زیان وام به دارایی های کل است.

$TIER\ 1_{i,t-1}$ نسبت کل سرمایه درجه یک بانک به دارایی های موزون شده برحسب ریسک است. این مورد نشان دهنده سرمایه اصلی هست. این یک معیار مستقیم سهام مانند از ظرفیت بانک برای ایجاد LLP است. سرمایه درجه یک مجموع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است، که بیانگر سهام ممتاز بدون سود انباشته دائمی، و حقوق اقلیت در حساب های سهام شرکتهای تابعه، سرففلی کمتر و سایر دارایی های نامشهود می باشد. در حالی که این نسبت، تعدیلات تنظیمی برای حقوق صاحبان سهام را نشان می دهد، همچنین یک معیار سلامت مالی نیز محسوب می شود. همانطور که توسط احمد و همکاران (۱۹۹۹) پیشنهاد شد، ما از مقدار تاخیری برای نسبت درجه یک استفاده می کنیم تا در دسترس بودن یک اتکای سرمایه ای برای افزایش LLP را نشان دهیم. بانکها ابتدا قدرت پرداخت بدهی خود را از طریق سرمایه اصلی در یک دوره گزارش قبلی قبل از افزایش اختیاری LLP در دوره بعدی نشان می دهند (بوشمان و ویلامز، ۲۰۱۲).

EBTLPL (درآمد قبل از مالیات و LLP) یک معیار قابلیت بانکی برای استفاده از دارایی های آن برای ایجاد درآمد پیش از تعهدات قراردادی و LLP است (لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). اگر تمایل به هموار سازی درآمد یک عامل تعیین کننده مهم LLP باشد، ما باید یک رابطه مثبت بین LLP و EBTLPL را مشاهده نماییم (آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷).

ΔNPL تغییر در وام های معوقه و $\Delta LOAN$ تغییر در وام های کل است. ما مطالعات قبلی را با گنجاندن ΔNPL و $\Delta LOAN$ دنبال می کنیم تا بخش غیر اختیاری LLP را کنترل کنیم (نگاه کنید به، احمد و همکاران، ۱۹۹۹؛ ژاکس، ۲۰۱۰؛ مویر، ۱۹۹۰). به طور خاص، ΔNPL یک نماینده برای ریسک عدم پرداخت است، در حالی که $\Delta LOAN$ تغییرات در مشخصات وام دهی بانک را کنترل می کند. ما انتظار داریم هر دو متغیر ضرایب مثبت داشته باشند. افزایش در کیفیت یک سبد وام و میزان کل وام های معوق، باید اندازه نسبی و به موقع بودن LLP را افزایش دهد (نگاه کنید به، فونسکا و گونزالس، ۲۰۰۸؛ گرین والت و سینکی، ۱۹۸۸).

LISTING یک متغیر شاخص است، که برای بانکهای فهرست شده مقدار ۱ و برای بانکهای فهرست نشده مقدار ۰ را می‌گیرد. کنترل فهرست بندی می‌کوشد ارتباط مثبت بین وضعیت فهرست بندی یک شرکت و دستکاری حسابداری را ثبت نماید (بیتی و هریس، ۱۹۹۹؛ فونسکا و گونزالس، ۲۰۰۸). بانکهای فهرست شده تمایل به گزارش نسبت های درجه یک بالاتر و درآمدهای بالاتر را دارند تا از دیدگاه مالی خود در معاملات بازار سهام پشتیبانی نمایند (آناندراجان و همکاران، ۲۰۰۷؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱).

LEV نسبت اهرم (بدهی کل به کل سهام عادی) است. این نسبت درجه ای را نشان می‌دهد که پس انداز سرمایه بالقوه بانکی توسط خطرات گزارش شده کمتر از واقع، تحت تاثیر قرار می‌گیرد (نگاه کنید به کیم و ژوکیوول، ۲۰۱۴). انتظار می‌رود که سطوح اهرم مثبت باشند، اما برای بانکهای اسلامی، با توجه به فقدان پرداخت بهره، عدم تجارت در فعالیت های ممنوعه و ناتوانی در افزایش وجوه مالی از طریق عملیات های بازاری غیرمستقیم، نسبتا کمتر است.

هر دو متغیر GDP و CRISIS تاثیر شرایط اقتصاد کلان در LLP را ثبت می‌کنند. GDP نرخ رشد سالانه درآمد ملی است. با کنترل GDP، ما تاثیر موافق ادواری بودن را بر LLP شناسایی می‌کنیم. با رشد سریع GDP، ما انتظار داریم استقراض افزایش یابد و بانکها نیاز به افزایش LLP ها برای برآوردن ریسک بیشتر را خواهند داشت. یک ضریب منفی در GDP نشان می‌دهد که بانکها سبد های وام خود را در دوره های رشد سریع بدون ایجاد ذخایر متناسب از طریق LLP توسعه می‌دهند، بنابراین اثرات موافق ادواری را القا می‌نمایند (نگاه کنید به، فونسیکا و گونزالز، ۲۰۰۸؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۲).

به عنوان یک متغیر شاخص برای دوره بحران، CRISIS برای سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ مقدار ۱ و در موارد دیگر مقدار ۰ را می‌گیرد. در یک رکود اقتصادی، با توجه به پیامدهای نامطلوب شرایط اقتصادی ضعیف بر سطح LLP، ما انتظار یک ارتباط منفی بین LLP و CRISIS را داریم (نگاه کنید به کوهن، کورنت، مارکوس و تهرانیان، ۲۰۱۴).

IB متغیر ساختگی نوع بانک است (برای بانک های اسلامی مقدار ۱ و برای بانک های متعارف مقدار ۰ را می‌گیرد).

برای کنترل ناهمگنی پراکنش و درون زایی، تمام متغیرهای سری زمانی با استفاده از دارایی های کل بانکی در ابتدای سال t نرمال شده اند (TA_{it}, Δ_{-1}) . خطاهای استاندارد ضرایب برآورد شده برای ناهمگنی پراکنش تصحیح می شوند (نگاه کنید به، استون و سامرز، ۲۰۰۳؛ بارت و کاللاپور، ۱۹۹۶). برآورد پانلی ما تنها برای اثرات زمانی غیرقابل مشاهده $(T\Delta)$ و ناهمگنی غیرقابل مشاهده در بانک ها (v_i) بدون تحمیل شرایط محدود کننده بر همبستگی بین رگرسور و عبارت خطا، کنترل می شود.

برای آزمودن فرضیه های ۱ و ۲ در کل نمونه کامل، ما مدل پایه خود را تعمیم می دهیم تا تعاملات شرطی بین نوع بانک و معیارهای مدیریت سرمایه (و درآمد) را شامل نماییم. این مورد در معادله (۲) به صورت زیر مشخص می شود:

$$LLP_{i,t} = \beta_0 + B_1 IB * TIER 1_{i,t-1} + B_2 IB * EBTLLP_{i,t} + B_3 CB * TIER 1_{i,t-1} + B_4 CB * EBTLLP_{i,t} + \beta_5 \Delta NPL_{i,t} + \beta_6 \Delta LOANS_{i,t} + \beta_7 LISTING_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 CRISIS_t + \beta_{10} GDP_{j,t} + \beta_{11} IB_t + \beta_{12} \sum_{t=2007}^{2013} T_t + \beta_{13} v_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیرهای تعاملی $CB * TIER 1 \Delta_{-1}$ و $IB * TIER 1 \Delta_{-1}$ فرضیه اول مدیریت سرمایه را با طبقه بندی بانکها به عنوان نوع اسلامی (IB) یا متعارف (CB) مورد بررسی قرار می دهند در حالی که $IB * EBTLLP$ و $CB * EBTLLP$ مدیریت درآمدهای تفاضلی را مورد آزمون قرار می دهند. ما پیش بینی می کنیم که ضرایب بانکهای اسلامی (β_1 و β_2) مثبت باشد اما در اندازه و اهمیت نسبت به بانکهای متعارف (β_3 و β_4) کمتر است.

۶. نتایج

۶.۱. آمار توصیفی و تحلیل همبستگی

پانل های A، B و C جدول ۲ آمار توصیفی را برای نمونه های کامل و نمونه های فرعی اسلامی و متعارف را گزارش می دهند. ما همچنین آزمون t دو نمونه ای را برای بررسی معنی داری میانگین های نمونه های فرعی گزارش می نماییم.

برای نمونه کامل، ما میانگین های ۲۲،۱۶ درصد برای $TIER 1 \Delta_{-1}$ و ۱۶،۹۲ درصد برای EBTLLP را گزارش می کنیم. با در نظر گرفتن $TIER 1 \Delta_{-1}$ که از آستانه ۴ درصد فراتر می رود، این امر نشان می دهد که بانکهای نمونه ما به خوبی سرمایه گذاری شده و می توانند به عنوان بانکهای تولید کننده درآمد طبقه بندی شوند. نسبت

سرمایه تنظیمی برای هر دو نوع بانک دارای چولگی به سمت راست است، که مطابق با الزامات بازل ۲ برای بانک ها جهت نگه داشتن یک واسطه سرمایه بالاتر از حداقل مورد نیاز است. طبق نظرات برگر، دی یانگ، فلانری، لی، و اوزتکین (۲۰۰۸)، رویه های بازل ۲ مزایای اختیاری را به بانکهایی که به خوبی سرمایه گذاری می شوند ارایه می دهد که بر نسبت سرمایه درجه ۱ حداقل ۴ درصد از دارایی های موزون شده برحسب ریسک صدق می کند. اگرچه این نتایج اولیه نشان می دهند که بانکهای ما در طول دوره $t-1$ به خوبی سرمایه گذاری شده اند، مدیریت آنها ممکن است این انگیزه را داشته باشد که به حفظ موقعیت سرمایه کافی از طریق استفاده از LLP در دوره های بعدی ادامه دهد، که هدف از آن جلوگیری از هزینه های نقض سرمایه است (لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱).

جدول ۲
آمار توصیفی

آزمون t دو نمونه ای (دو دامنه ای)						
متغیرها	میانگین	میان	استاندارد	حداقل	حداکثر	
پانل A: نمونه کامل						
LLP	0.054	0.038	0.060	-0.031	0.569	6.358***
TIER 1 _{t-1}	22.169	19.400	11.398	6.490	20.700	7.434***
EBTLLP	16.924	17.481	19.227	-24.427	64.112	-8.683***
ANPL	0.063	0.052	0.045	-0.322	0.945	-3.264**
ALOANS	0.157	0.204	0.504	-0.569	0.935	-2.118*
LISTING	0.540	1	0.499	0	1	-6.521***
LEV	5.151	5.231	4.673	0.536	9.729	-5.894***
GDP	11.389	12.097	10.423	-10.784	30.929	-
TA _{t-1}	6178.342	5191.531	7952.0810	133.600	32,306.710	-5.440***
پانل B: نمونه فرعی بانک های اسلامی						
LLP	0.063	0.057	0.087	-0.031	0.269	0.269
TIER 1 _{t-1}	18.367	16.620	19.945	9.071	20.700	20.700
EBTLLP	14.186	13.162	16.939	-23.000	60.562	60.562
ANPL	0.060	0.063	0.053	-0.045	0.945	0.945
ALOANS	0.351	0.361	0.209	-0.569	0.716	0.716
LISTING	0.379	0	0.486	0	1	1
LEV	3.766	3.031	2.942	0.536	9.729	9.729
GDP	10.569	11.097	10.598	-10.784	30.929	30.929
TA _{t-1}	3206.268	1408.900	4569.434	133.600	21,251.100	21,251.100
پانل C: نمونه فرعی بانک های متعارف						
LLP	0.049	0.032	0.059	-0.004	0.569	0.569
TIER 1 _{t-1}	17.498	16.665	17.051	6.490	19.780	19.780
EBTLLP	18.405	19.697	15.149	-24.427	64.112	64.112
ANPL	0.082	0.046	0.048	-0.332	0.899	0.899
ALOANS	0.367	0.438	0.597	-0.431	0.935	0.935
LISTING	0.676	1	0.469	0	1	1
LEV	6.308	6.282	5.743	3.625	9.726	9.726
GDP	12.090	11.937	11.024	-10.784	30.929	30.929
TA _{t-1}	8513.542	6947.084	10,704.100	254.000	32,306.710	32,306.710

نکات: این جدول آمار توصیفی برای متغیرهای مورد نظر در تجزیه و تحلیل های ما را گزارش می دهد. دوره نمونه از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ است. پانل A: نتایج برای نمونه کامل شامل CBها و Bها با ۴۴۱ مشاهدات سال بانکی است. پانل B: نتایج برای نمونه فرعی Bها متشکل از ۲۰۲ مشاهدات سال بانکی است. پانل C: نتایج نمونه فرعی CBها نشان دهنده ۲۲۸ مشاهدات سال بانکی است. مادر مورد آزمون میانگین زوج نمونه ای (آزمون t) برای نمونه های فرعی بانک های اسلامی و متعارف گزارش ارایه می دهیم. *، ** و *** معنی داری را در ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ نشان می دهد.

آمار آزمون t نشان می دهد که بانکهای اسلامی سطح معنی دار تری از LLPها و TIER 1_{t-1} را دارند. این امر نشان می دهد که آنها بیشتر از بانک های متعارف سرمایه گذاری می شوند، که با یافته های بک و همکاران

(۲۰۱۳) سازگار است. پایین بودن معنی دار EBTLLP برای بانکهای اسلامی، اجتناب آن ها از سرمایه گذاری مخاطره آمیزتر، اتکا به قراردادهای مبتنی بر حق الزحمه و هزینه های اداری نسبتا بالاتر آنها را برجسته می کند (نگاه کنید به، عابدیفر و همکاران، ۲۰۱۳). شاخصهای ریسک عدم پرداخت (ΔNPL) و رشد وام ($\Delta LOANS$) - که به طور معنی داری برای بانکهای اسلامی کمتر است - با دیگر مطالعات همخوانی دارد (بک و همکاران، ۲۰۱۳). به علاوه، بانکهای اسلامی نسبت به بانکهای متعارف به میزان قابل توجهی کمتر اهرم بندی شده و از نظر اندازه کوچکتر هستند.

جدول ۳ همبستگی دوگانه پیرسون برای نمونه کامل (پانل A)، بانکهای اسلامی (پانل B) و بانکهای متعارف (پانل C) را نشان می دهد. برای نمونه های فرعی، بانکهای متعارف همبستگی مثبت معنی داری را بین LLP و هر دو مورد $TIER 1$ و EBTLLP نشان می دهند که بدون شواهد معنی دار برای بانک های اسلامی است. هم برای بانکهای اسلامی و هم متعارف، همبستگی مثبت بین LLP و ΔNPL (و $\Delta LOANS$) نشان می دهد که افزایش در LLP با ریسک عدم پرداخت بدهی بالا و رشد اعتبار بالا مرتبط است. همبستگی های بین LLP و دیگر متغیرهای کنترل با مقالات قبلی همخوانی دارند. تمام همبستگی ها در بین متغیرهای مستقل در محدوده پذیرفته شده قرار دارند و هیچ توجهی را در مورد چند خطی بین متغیرهای مستقل بر نمی انگیزد.

جدول ۳

ماتریکس همبستگی پیرسون دوگانه برای سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۳

پانل A: نمونه کامل							
متغیرها	LLP	Tier 1 _{t-1}	EBTLLP	ANPL	ΔLOANS	LEV	GDP
LLP	1						
Tier 1 _{t-1}	0.025***	1					
EBTLLP	0.385***	-0.077	1				
ANPL	0.013	0.019	0.023**	1			
ΔLOANS	0.057**	-0.180*	0.157	0.291**	1		
LEV	0.017	-0.511***	-0.292	0.071	0.135	1	
GDP	-0.031***	-0.102	0.244**	-0.175	0.079	0.033	1

پانل B: نمونه فرعی بانک‌های اسلامی							
متغیرها	LLP	Tier 1 _{t-1}	EBTLLP	ANPL	ΔLOANS	LEV	GDP
LLP	1						
Tier 1 _{t-1}	0.033	1					
EBTLLP	0.296	-0.053	1				
ANPL	0.285***	0.027**	0.071**	1			
ΔLOANS	0.110**	-0.135	0.151	0.615	1		
LEV	0.147	-0.378	0.195	0.323**	0.100	1	
GDP	-0.025	-0.352	0.147	0.122	0.055	0.048	1

پانل C: نمونه فرعی بانک‌های متعارف							
متغیرها	LLP	Tier 1 _{t-1}	EBTLLP	ANPL	ΔLOANS	LEV	GDP
LLP	1						
Tier 1 _{t-1}	0.047***	1					
EBTLLP	0.248***	-0.072	1				
ANPL	0.049**	0.013	0.044**	1			
ΔLOANS	0.020**	-0.380	0.280	0.055**	1		
LEV	0.029	-0.522***	0.135**	0.048	0.124	1	
GDP	-0.053***	-0.102	0.138**	-0.152	0.045	0.070	1

نکات: این جدول ضرایب همبستگی دوگانه نمونه کامل برای متغیرهای خصوصیات بانکی (LEV, ΔLOAN, ΔNPL, LLP)، اقتصاد کلان (GDP)، مدیریت سرمایه (TIER 1_{t-1}) و هموارسازی درآمد (EBT) گنجانده شده در برآورد ما را گزارش نموده است. پانل A: نتایج برای نمونه کامل شامل اسلامی و متعارف را با ۴۴۱ مشاهدات سال بانکی نشان می‌دهد. پانل B: نتایج برای نمونه فرعی اسلامی شامل ۲۰۳ مشاهدات سال بانکی است. پانل C: نتایج برای نمونه فرعی بانک‌های متعارف است که ۲۳۸ مشاهدات سال بانکی را نشان می‌دهند. ** و *** معنی دار بودن را به ترتیب در ۵٪ و ۱٪ نشان می‌دهد.

۶.۲. نتایج تجربی

جدول ۴ نتایج مدل پایه در معادله (۱) را گزارش می‌دهد. در نمونه کامل، یک ضریب مثبت معنی دار در $TIER\ 1\ \square_{-1}$ نشان می‌دهد که بانکها تمایل دارند نسبت درجه ۱ بالایی را در دوره $t-1$ داشته باشند و احتمال دارد که آنها در دوره t ، LLP خود را افزایش دهند. ما همچنین شواهد قابل توجهی از هموارسازی درآمد را با یک ارتباط مثبت معنی دار بین LLP و EBTLLP می‌یابیم. این یافته‌ها در راستای نظرات کیم و کراس (۱۹۹۸) و آناندراجان و همکاران (۲۰۰۷) هستند. برای بانک‌های اسلامی هر دو مورد $TIER\ 1\ \square_{-1}$ و EBTLLP به طور غیر معنی داری با LLP در ارتباط هستند، که عدم حضور مدیریت سرمایه (و درآمد) از طریق LLP را نشان می‌دهند. برای بانکهای متعارف، استفاده اختیاری LLP برای مدیریت سرمایه و درآمدهای تنظیمی توسط ضرایب مثبت و بسیار معنی دار $TIER\ 1\ \square_{-1}$ و EBTLLP پشتیبانی می‌شود.

تحلیل رگرسیون مدیریت سرمایه و درآمد: نمونه کامل و نمونه‌های فرعی انواع بانک.

متغیرها	علامت پیش بینی شده	نمونه کامل	بانک های اسلامی	بانک های متعارف
TIER 1 _{t-1}	+	0.023*** (0.000)	0.010 (0.112)	0.014*** (0.000)
EBTLIP	+	0.027*** (0.000)	0.015 (0.101)	0.022** (0.018)
ΔNPL	+	0.041** (0.035)	0.024** (0.048)	0.029*** (0.000)
ΔLOANS	+	0.018** (0.022)	-0.031 (0.881)	0.017** (0.046)
LISTING	+	0.031** (0.005)	0.021** (0.011)	0.025*** (0.002)
LEV	+	0.017 (0.663)	0.018 (0.081)	0.039 (0.383)
CRISIS	-	-0.021** (0.036)	0.024 (0.396)	-0.045** (0.041)
GDP	-	-0.049** (0.021)	-0.035 (0.098)	-0.030** (0.038)
IB	?	0.011** (0.007)		
آزمون هاوسمن	26.78 (0.000)			
تاثیرات ثابت سال		بله	بله	بله
تاثیرات خاص بانکی		بله	بله	بله
R2 تعدیل شده		0.381	0.351	0.378
مشاهدات سال بانکی		441	203	238

تکات: این جدول برآوردهای اثرات ثابت برای آزمون فرضیات مدیریت سرمایه و درآمدها برای نمونه کامل و نیز در درون نمونه های فرعی بانک های اسلامی و متعارف را گزارش می دهد. مدل برآورد پایه ما به صورت زیر مشخص شده است:

$$LLP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TIER\ 1_{i,t-1} + \beta_2 EBTLIP_{i,t} + \beta_3 \Delta NPL_{i,t} + \beta_4 \Delta LOANS_{i,t} + \beta_5 LISTING_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 CRISIS_{i,t} - \beta_8 GDP_{i,t} + \beta_9 IB_{i,t} + \beta_{10} \sum_{t=2007}^{2013} T_t + \beta_{11} \eta_i + \epsilon_{it}$$

خطاهای استاندارد برای ناهمگنی پراکنش تعدیل می شوند. مقادیر P بین پرانز قرار دارند. ** و *** معنی داری را در سطح ۵٪ و ۱٪ را نشان می دهد.

برای نمونه کامل و هر یک از نمونه های فرعی، ضریب ΔNPL مثبت و معنی دار است؛ یعنی LLP با کاهش در عملکرد سبد وام مرتبط است. اهمیت و معنی داری بیشتر ضریب در مورد ΔNPL نشان می دهد که این اثر برای بانکهای متعارف چشمگیرتر است. این نتایج نشان دهنده ریسک عدم پرداخت پایینتر در بانکهای اسلامی است (عابدیفر و همکاران، ۲۰۱۳). تنها بانکهای متعارف ارتباط معنی دار و مثبت بین $\Delta LOANS$ و LLP را نشان می دهند، که نشان دهنده یک رشد در سبدهای وام آن ها هستند. ضریب مثبت معنی دار در LISTING نشان می دهد که بانکهای فهرست شده سطوح بالاتری از LLP را گزارش می دهند، که احتمالاً برای کاهش ریسک اعتباری و اجتناب از هرگونه تاثیر منفی بر قیمت های سهام آنها می باشد. اهرم مالی (LEV) هیچ تاثیری را بر LLP گزارش شده ندارد.

برای بانکهای متعارف، ما یک ارتباط منفی و معنی دار بین CRISIS و LLP پیدا می کنیم، که نشان دهنده کاهش قابل توجه در سطح LLP در طول سالهای بحران است. این نشان می دهد که در طول بحران مالی، به نظر می رسد بانکهای متعارف سطح LLP خود را کاهش می دهند، که متعاقباً موافق ادواری بودن را تقویت نموده و بی ثباتی بیشتر بانکهای متعارف را منعکس می کند (نگاه کنید به، بک و همکاران، ۲۰۱۳؛ حسن و دریدی،

۲۰۱۱؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). ضریب منفی معنی دار در GDP برای بانکهای متعارف بیشتر نشان دهنده وام دهی موافق ادواری است. این اثرات اقتصاد کلان برای بانکهای اسلامی کمتر مشهود است، که ممکن است به کاربرد آنها از یک مدل متقابل ادواری نسبت داده شود: یعنی E-LLM (نگاه کنید به، بوشمان و ویلیامز، ۲۰۱۲). برای متغیر شاخص نوع بانک (IB) در نمونه کامل، رابطه مثبت و معنی داری با LLP پیدا می کنیم. این امر، سطح بالاتری از LLP را برای بانکهای اسلامی نشان می دهد، بنابراین از دوراندیشی اساسی مدل کسب و کار اسلامی پشتیبانی می کنند (بک و همکاران، ۲۰۱۳).

در جدول ۵، ما معادله (۲) را برآورد می کنیم که مدل پایه در معادله (۱) را به دو روش بسط می دهد. برای نمونه کامل، ما تعاملات شرطی بین نوع بانک و معیارهای مدیریت سرمایه (و درآمد)، $(CB, IB * TIER 1 \square_1)$ و $(CB, IB * EBTLPP)$ را اجرا می کنیم. ما همچنین مشخصات مدل مشابهی را برای نمونه فرعی پیش بینی می کنیم که بانکهای بزرگ را نادیده می گیرد. با وجود گرایش بیشتر به درگیر شدن در فعالیتهای دارای ریسک، بانکهای بزرگتر به احتمال بیشتری اقدامات اختیاری را از طریق LLP اتخاذ می کنند تا جرایم نقض سرمایه شان را به حداقل برسانند، تا پاداش شخصی / اهداف درآمدی را برآورده نمایند، و/یا رتبه بندی اعتباری/ بیمه سپرده را برآورده کنند (نگاه کنید به، لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱؛ لونتیس و دیمیتروپولوس، ۲۰۱۲). پیرو نظرات برگر و بوومن (۲۰۱۳) ما بانکهای دارای دارایی های فراتر از ۱۰۰ میلیارد دلار را مستثنی می کنیم.

برای نمونه کامل، ضرایب غیر معنی دار در هر دو متغیر تعاملی $IB * TIER 1 \square_1$ و $IB * EBTLPP$ فقدان مدیریت سرمایه و درآمدها را در بانکهای اسلامی تایید می نمایند. برای بانکهای متعارف هر دو $CB * TIER 1 \square_1$ و $CB * EBTLPP$ معنی دار هستند و ارتباط مثبتی با LLP دارند. یافته های موجود در مورد رابطه بین LLP و متغیرهای کنترل بدون تغییر است.

برای نمونه فرعی که بانکهای بزرگ را نادیده می گیرد، می بینیم که بانکهای اسلامی هنوز هیچ تغییر معنی داری در مورد مدیریت درآمدها و سرمایه نشان نمی دهند. با این حال برای بانکهای متعارف، ضریب در مورد $CB * TIER 1 \square_1$ دیگر معنی دار نیست در حالی که در مورد $CB * EBTLPP$ معنی دار و مثبت است. این نتایج نشان می دهد که استفاده اختیاری LLP در مدیریت سرمایه در بانکهای متعارف بیشتر در بانکهای بزرگ رایج تر است، اما اندازه بانک تاثیری بر رفتار مدیریت درآمد آنها ندارد. این یافته ها با شواهد قبلی همخوانی دارند مبنی

بر اینکه بانکهای بزرگ مشوق های بیشتری برای حفظ یک موقعیت کفایت سرمایه قانونی قوی، با توجه به نظارت نزدیک آنها توسط سرمایه گذاران و قانون گذاران دارند (بیتی، کی، و پترونی، ۲۰۰۲؛ کانگارتنام و همکاران، ۲۰۱۵).

برای بررسی اینکه آیا تفاوت معنی داری بین شیوه های مدیریت سرمایه (و درآمدها) در هر دو نوع بانک وجود دارد، ما ضرایب را در مورد متغیرهای تعاملی بانکهای اسلامی و متعارف مقایسه می کنیم. آزمون F گزارش شده نشان می دهد که ضرایب در مورد $(IB * Tier1 = CB * Tier1)$ و $(IB * EBTLLP = CB * EBTLLP)$ از لحاظ آماری متفاوت هستند. این امر رد نمودن صفر بودن عدم اختلاف معنی دار بین شیوه های مدیریت سرمایه و درآمدها است که از نتایج گزارش شده برای فرضیه ۱ و فرضیه ۲ پشتیبانی می کند.

به طور کلی، فقدان مدیریت سرمایه و درآمد از طریق LLP در بانکهای اسلامی را می توان در چندین زمینه توضیح داد. اول اینکه، مدل کسب و کار بانکهای اسلامی آینده نگری بیشتر و نگرش مخالف با ریسک را ترویج می دهد (نگاه کنید به، بک و همکاران، ۲۰۱۳). دوم، با ناتوانی در افزایش منابع مالی از طریق عملیات های مستقیم بازاری، بانکهای اسلامی در سطوح پایینتر بهره برداری از دارایی های خود عمل می کنند که احتمالاً به ترویج واسطه های سرمایه ای بیشتر می انجامد. سوم، اثرات جهت گیری تجاری اخلاقی، نظارت توسط IAH ها و حاکمیت بیشتر توسط هیات های نظارتی شریعت است.

از یافته های بالا ما استدلال می کنیم که علی رغم انگیزه ها و محرک ها برای هموار سازی درآمدها از طریق LLP تحت چارچوب E-LLM، بانکهای اسلامی تمایلی به انجام این کار ندارند. این امر ممکن است تاثیر ساز و کارهای حاکمیتی قوی و مسئولیت اخلاقی در محدود کردن اختیار حسابداری را منعکس نماید (نگاه کنید به، دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۲؛ هیلاری و هوی، ۲۰۰۹؛ کانگارتنام و همکاران، ۲۰۱۵؛ مگگور و همکاران، ۲۰۱۲).

جدول ۵

تحلیل رگرسیون مدیریت سرمایه و درآمدها با تعاملات شرطی: نمونه کامل و زمانی که بانک‌های بزرگ را مستثنی می‌کند.

متغیرها	علامت پیش بینی شده	نمونه کامل	مستثنی نمودن بانک‌های بزرگ
IB*TIER 1 _{t-1}	+	0.011 (0.078)	0.016 (0.611)
IB*EBTLLP	+	0.026 (0.061)	0.019 (0.784)
CB*TIER 1 _{t-1}	+	0.019*** (0.000)	0.014 (0.098)
CB*EBTLLP	+	0.034*** (0.001)	0.026*** (0.001)
ANPL	+	0.021** (0.015)	0.020** (0.006)
ALOANS	+	0.040*** (0.000)	-0.035 (0.352)
LISTING	+	0.022*** (0.000)	0.012*** (0.000)
LEV	+	-0.025 (0.426)	-0.040 (0.261)
CRISIS	-	-0.053** (0.008)	-0.050** (0.006)
GDP	-	-0.023** (0.005)	-0.030** (0.007)
IB	?	0.024** (0.004)	0.023** (0.008)
IB*TIER 1 _{t-1} - CB*TIER 1 _{t-1} , (F-Test)		33.75 (0.000)	43.21 (0.000)
IB*EBTLLP - CB*EBTLLP, (F-Test)		8.94 (0.004)	20.64 (0.000)
تأثیرات ثابت سال		بله	بله
تأثیرات خاص بانکی		بله	بله
R2 تعدیل شده		0.492	0.463
مشاهدات سال بانکی		441	400

نکات: این جدول برآوردهای اثرات ثابت برای آزمودن فرضیه‌های مدیریت سرمایه و درآمدها برای نمونه کامل و پس از تنزل نمودن بانک‌های بزرگ (نگه داشتن دارایی‌های کل بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار) را گزارش می‌دهد. مدل مشخص شده ما به صورت زیر تعریف شده است:

$$LLP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 IB * TIER 1_{i,t-1} + \beta_2 IB * EBTLLP_{i,t} + \beta_3 CB * TIER 1_{i,t-1} + \beta_4 CB * EBTLLP_{i,t} + \beta_5 \Delta NPL_{i,t} + \beta_6 \Delta LOANS_{i,t} + \beta_7 LISTING_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 CRISIS_{i,t} + \beta_{10} GDP_{i,t} + \beta_{11} IB_i + \beta_{12} \sum_{t=2007}^{2013} T_t + \beta_{13} V_t + \varepsilon_{i,t}$$

خطاهای استاندارد ضرایب برآورد شده برای ناهمگنی پراکنش تعدیل می‌شوند. مقادیر P بین پرانتزها هستند. ** و *** به ترتیب معنی داری در سطح ۵٪ و ۱٪ را نشان می‌دهد.

۳.۶. تحلیل حساسیت

ما خط مبنا (معادله (۱)) را بسط می‌دهیم تا به یک متغیر ساختگی اجازه دهیم که شکست‌های بانکی را در برآورده کردن اهداف درآمد بدست آورد ($LOSS_i \square$). بر مبنای $EBTLLP$ ، $LOSS_i \square$ متغیر شاخصی است که برای بانک‌های زیان ده مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار ۰ را می‌گیرد. ما بین $LOSS_i \square$ و هر دو موارد $TIER 1 \square_{-1}$ و متغیر ساختگی طبقه بندی هر بانک تعامل برقرار می‌نماییم (یعنی IB برای بانکهای اسلامی و CB برای بانکهای متعارف). مدل توسعه یافته ما به صورت زیر مشخص شده است:

$$LLP_{i,t} = \beta_0 + B_1 LOSS * IB * TIER 1_{i,t-1} + B_2 LOSS * CB * TIER 1_{i,t-1} + \beta_3 LOSS_{i,t} + \beta_4 \Delta NPL_{i,t} + \beta_5 \Delta LOANS_{i,t} + \beta_6 LISTING_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CRISIS_{i,t} + \beta_9 GDP_{i,t} + \beta_{10} IB_i + \beta_{11} \sum_{t=2007}^{2013} T_t + \beta_{12} V_t + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

ما انتظار داریم که بانکهایی که درآمدهای منفی گزارش می‌کنند احتمال بیشتری برای افزایش LLP دارند تا از تنزل پایینتر از حداقل الزامات کفایت سرمایه اجتناب کنند. برای هر نوع بانک، و در راستای فرضیه ما، اندازه و

معنی داری کمتری برای ضریب $LOSS * IB * TIER 1_{t-1}$ نسبت به $LOSS * CB * TIER 1_{t-1}$ پیش بینی شده است.

در جدول ۶ نتایج برای نمونه کامل نشان می دهد که ضریب در مورد $LOSS * IB * TIER 1_{t-1}$ مثبت اما غیر معنی دار است. بانکهای اسلامی ثابت می کنند که هیچ مدرکی دال بر عدم مدیریت سرمایه نظارتی از طریق LLP وجود ندارد حتی زمانی که آنها زبانی را گزارش می کنند. برای بانکهای متعارف، نتایج یک ضریب بسیار معنی دار و مثبت را در مورد $LOSS * CB * TIER 1_{t-1}$ نشان می دهد که پیشنهاد می دهد بانکهای متعارف زیان ده به احتمال بیشتری در مدیریت سرمایه نظارتی از طریق LLP درگیر می شوند. این یافته مطابق با نظرات کاناگارتنام و همکاران (۲۰۰۳) است، که نشان می دهد که بانک های متعارف دارای عملکرد ضعیف به احتمال زیاد به طور اختیاری از LLP استفاده می کنند تا سرمایه نظارتی را مدیریت نمایند. آزمون F برای دو زیر نمونه بانکی، از نظر آماری نشان دهنده رفتار مدیریت سرمایه مختلف از طریق LLP است.

جدول ۶

تحلیل رگرسیون مدیریت سرمایه و درآمدهای شناسایی کننده اثرات برای بانکهای زیان ده.

متغیرها	علامت پیش بینی شده	نمونه کامل
$LOSS * IB * TIER 1_{t-1}$?	0.015 (0.625)
$LOSS * CB * TIER 1_{t-1}$?	0.015*** (0.003)
LOSS	-	-0.023** (0.003)
ANPL	+	0.012** (0.048)
ALOANS	+	0.023** (0.041)
LISTING	+	0.025*** (0.000)
LEV	+	-0.031 (0.083)
CRISIS	-	-0.017** (0.027)
GDP	-	-0.029*** (0.003)
IB	?	0.018** (0.000)
$LOSS * IB * TIER 1_{t-1} = LOSS * CB * TIER 1_{t-1}$ (F-Test)		45.96 (0.000)
تأثیرات ثابت سال		بله
تأثیرات خاص بانک		بله
تعدیل شده		0.320
مشاهدات سال بانکی		441

نکات: این جدول برآوردهای اثرات ثابت جهت آزمون فرضیه مدیریت سرمایه برای نمونه کامل برای تست بانکهای زیان ده را گزارش می دهد. $LOSS$ یک شاخص ساختگی است که برای بانکهای زیان ده برابر با ۱ و برای بانکهای سود ده برابر با ۰ می باشد. مدل مشخص شده ما به صورت زیر تعریف شده است:

$$LLP_{it} = \beta_0 + \beta_1 LOSS * IB * TIER 1_{t-1} + \beta_2 LOSS * CB * TIER 1_{t-1} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 \Delta NPL_{it} + \beta_5 ALOANS_{it} + \beta_6 LISTING_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 CRISIS_{it} + \beta_9 GDP_{it} + \beta_{10} IB_{it} + \beta_{11} \sum_{i=2007}^{2013} T_i + \beta_{12} \epsilon_i + \epsilon_{it}$$

خطاهای استاندارد ضرایب برآورد شده برای ناهمگنی پراکنش تصحیح می شوند. مقادیر P بین پراکنش قرار دارند. ** و *** به ترتیب معنی داری را در سطح ۵٪ و ۱٪ نشان می دهد.

۷. نتیجه گیری

ما در این مطالعه به طور تجربی تاثیر مدل‌های تجاری بانکی مختلف را بر شیوه های مدیریت سرمایه و درآمدها مورد ارزیابی قرار می دهیم. ما به طور واضح استفاده اختیاری از ذخایر زیان وام برای مدیریت سرمایه و درآمدها را مورد بررسی قرار می دهیم. محیط منحصر به فرد ما برای آزمودن مدیریت سرمایه و درآمدها، جایی است که بانکهای متعارف و اسلامی در کشورهای یکسانی به سر می برند، اما مقید به چارچوبهای نظارتی مختلف هستند تا زیان های وام را توجیه نمایند.

ما شواهدی از تاثیر نوع بانک بر مدیریت سرمایه و درآمدها می یابیم. تفاوت‌های معنی داری در رفتار مدیریت سرمایه و درآمدها بین بانکهای اسلامی و بانکهای متعارف وجود دارد. بانکهای اسلامی حتی در گستره وسیعی از اختیارات مجاز شده از طریق مدل های زیان وام مورد انتظار تمایل ندارند که در هموار سازی سرمایه یا درآمد از طریق LLP درگیر شوند. این نتایج صرفنظر از اندازه بانک و موقعیت سودآوری، صدق می کنند.

برای بانکهای متعارف، ما شواهد معنی داری از استفاده ی ذخایر زیان وام برای مدیریت سرمایه و درآمدهای نظارتی پیدا می کنیم. مدیریت سرمایه برای بانکهای بزرگ متعارف بیشتر مشهود است. اقدامات اختیاری از طریق ذخایر زیان وام برای بانکهای متعارف با عملکرد درآمدی ضعیف چشمگیر تر است. ما شواهدی ارائه می کنیم که برخلاف مدل زیان وام مورد انتظار، مدل زیان وام متحمل شده، بر موافق ادواری بودن در اعطای تسهیلات مالی تاکید می کند.

یافته های این تحقیق نشان می دهد که استفاده فرصت طلبانه از ذخایر زیان وام به محدودیت‌های اعمال شده توسط مدل کسب و کار و نظام حاکمیتی به کار گرفته شده در بانکها حساس است. مدل زیان وام مورد انتظار به زودی به طور جهانی از طریق استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی شماره ۹ (IFRS 9) اتخاذ خواهد شد. این امر فرصتی را برای بررسی تاثیر شیوه های مدیریت درآمد بانکهای متعارف ارائه خواهد نمود.